

دو فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۴۵-۵۴

فضائل حضرت فاطمه (س) در جوامع اولیه اهل سنت^۱

هدیه مسعودی صدر^۲

چکیده:

مقام و منزلت فاطمه (س) چنان برجسته و روشن است که آثار و حکایت آن به تمام زوایای قول و فعل مسلمانان رخنه کرده است. یکی از بهترین دلایل اثبات این مدعی، مراجعه گذرا به جوامع اولیه حدیثی اهل سنت که هر چند کمتر از شیعیان نسبت به حضرتشان ارادت نشان می‌دهند، اما بسیاری از فضائل ایشان را در ضمن احادیث خود آورده‌اند.

مقاله حاضر با نگاهی سریع به احادیث فضائل فاطمه (س) در جوامع اولیه حدیث اهل سنت، و دسته‌بندی این احادیث بنابر موضوعاتی که آن احادیث متضمن آن هستند، تلاش کرده است، حضرت فاطمه (س) را از این طریق نیز به جهانیان معرفی نماید و انشاء الله که توانسته باشد، اندکی از عظمت این بانوی دو جهان را بر چشم و دل حقیقت‌جویان آشکار کند.

کلیدواژه‌ها: فاطمه (س)، حدیث، جوامع اولیه، اهل سنت.

^۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

^۲ - عضو هیات علمی گروه معارف دانشگاه شهیدچمران اهواز، اهواز، ایران، H.masoudisadr@scu.ac.ir

مقدمه:

هرچند که در مقام بیان فضیلت اهل بیت رسول خدا(ص)، بسیار سخن گفته شده است اما دریای فضیلت آنان چنان عمق و وسعتی دارد که با هر غوصی در آن، ناشناخته های بسیاری بر آدمی مشکوف می شود. در خصوص بیان فضائل هریک از اهل بیت تنها شخصیت ایشان جهت بیان کفایت می کند، و وصف و نوشته ای که در این میان نوشته می شود، نه به جهت بیان فضیلت روشن آنان است، بلکه فقط برای بیان عشق و علاقه به اهل بیت می باشد، چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳). پیرامون فضا ئل حضرت فاطمه(س) در میان فریقین روایات فراوانی وجود دارد که همه این تعبیرات، بخش اندکی از فضیلت و شرافت او را بیانگرست، چرا که فاطمه(س) پرورده دامان وحی است و اخبار و شواهد دال بر این عظمت و کثرت این فضائل می باشد. در این مقاله، فضایل فاطمه(س) را از منظر روایات معتبر و متعدد جوامع اولیه حدیث اهل سنت: موطأ مالک(م. ۱۷۹ هـ)، مسند احمد بن حنبل(م. ۲۴۱ هـ)، صحیح بخاری(م. ۲۵۶ هـ)، صحیح مسلم(م. ۲۶۱ هـ)، سنن ابن ماجه(م. ۲۷۳ هـ)، سنن ابی داود،(بی تا)(م. ۲۷۵ هـ)، سنن ترمذی(م. ۲۷۹ هـ)، سنن نسائی(م. ۳۰۳ هـ)، مرور می شود.

الف) فاطمه(س) محبوبترین شخص نزد رسول خدا(ص)

در بسیاری از روایات نقل شده از پیامبر خدا(ص) آمده است که حضرت فاطمه(س) را به عنوان محبوبترین شخص نزد خویش معرفی می کند، این محبوبیت را تا به اندازه ای توصیف می کنند که ایشان را به عنوان پاره تن خویش می داند و شادی حضرت فاطمه(س) را شادی خود و غم حضرت فاطمه(س) را غم خود بیان می کند، ناگفته روشن است که این چنین محبوبیتی نزد رسول و برگزیده ی خداوند نه تنها گویای مقام و منزلت حضرت فاطمه(س) نزد پیامبر(ص)، بلکه گویای مقام حضرت فاطمه(س) نزد خداوند نیز می باشد؛ زیرا رسول خدا(ص) سخنی نمی گوید مگر این که به فرمان و تأیید خداوند باشد. ذیلاً به احادیث دال بر این عشق وافر نبوی اشاره می شود:

۱- از ابن عمر از رسول خدا(ص): «أَسَمَةُ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَيَّ مَا حَاشَا فَاطِمَةَ وَلَا غَيْرَهَا» (اسامه دوست داشتنی ترین مردم نزد من است، (البته) مگر فاطمه(س) و نه غیر او) (ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۹، ص ۵۱۸).

۲- از علی(ع) از پیامبر(ص) (هنگامی که ایشان(ع)، فاطمه(س) را از رسول خدا(ص) خواستگاری کرد و از ایشان(ص) پرسید که نزد شما چه کسی دوست داشتنی تر است: من یا فاطمه(س): «هی أحبّ إلیّ منک وأنت أعزّ علیّ منها» (او نزد من از تو دوست داشتنی تر و تو نزد من از او گرامی تر می باشی) (نسائی، (۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۱۵۰).

۳- از عبدالله بن زبیر از پیامبر خدا(ص): «إِنَّهَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا وَيَنْصِبُنِي مَا أَنْصِبُهَا» (همانا حضرت فاطمه(س) پاره تن من است، آنچه او را بیازارد مرا آزار داده است و هر آنچه او

را ناراحت کند، مرا ناراحت کرده است)(ترمذی،(بی‌تا)، ج ۵، ص ۶۹۸، ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۲۶، ص ۴۶).

۴- از مسور بن مخرمه از رسول خدا(ص): «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ تَفْتَنُوهَا»(همانا حضرت فاطمه(س) پاره تن من است و من خشنود نخواهم بود که به او آزار برسانید)(ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۳۱، ص ۲۲۶، بخاری،(۱۴۲۲)، ج ۹، ص ۲۷۷) یا «أما فاطمة بضعة مني يربيني ما أرابها ويؤذيني ما أذاها»(هر آنچه او را شاد کند مرا شاد می‌کند و هر آنچه او را آزار دهد، مرا آزار داده است)(نسائی،(۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۹۷، مسلم،(بی‌تا)، ج ۷، ص ۱۴۱، ج ۵، ص ۹۷، بخاری،(۱۴۲۲)، ج ۹، ص ۳۲۳، با اندک تفاوتی در لفظ).

۶- از محمد بن اسامه از پدرش(وقتی که برخی از اصحاب چون علی(ع)، جعفر، زید بن حارثه، در این که کدامیک را پیامبر(ص) بیشتر دوست دارد، اختلاف کردند): از پیامبر(ص) پرسیده شد که چه کسی را بیشتر از همه دوست دارید؟ و ایشان(ص) فرمودند: فاطمة!(ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۳۷، ص ۱۱۱).

۷- از ثوبان، آزاد شده رسول خدا(ص): هر گاه پیامبر(ص) عازم سفر می‌شد، آخرین کسی را که وداع می‌کرد فاطمه(س) بود و در بازگشت از سفر، اولین شخصی که به دیدارش می‌شتافت، فاطمه(س) بود... (ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۳۷، ص ۸۶، ابی داود،(بی‌تا)، ج ۴، ص ۱۴۰).

۸- از زید بن ارقم: رسول خدا(ص) به علی(ع) و فاطمه(س) و حسن(ع) و حسین(ع) فرمود: «أنا حرب لمن حاربتهم وسلم لمن سالمتم»(من دشمن دشمنان شما و دوستدار دوستان شما هستم)(ترمذی،(بی‌تا)، ج ۵، ص ۶۹۹).

۹- از جمیع بن عمیر تمیمی: همراه عمه‌ام بر عایشه وارد شدم، پس پرسیدم: چه کسی نزد رسول خدا(ص) محبوبترین شخص است؟ گفت: فاطمه!(ترمذی،(بی‌تا)، ج ۵، ص ۷۰۱).

ب) سیره فاطمه(س)

سیره و حیات شخصی فاطمه(س) از آنجا که تربیت‌یافته پیامبر(ص) و متصف به عصمت است، می‌تواند سرمشق بسیار خوبی برای مردمان به ویژه زنان مسلمان باشد. بخشی از این سیره و حیات شخصی ایشان در روایات آمده است. ذیلاً به این روایات بر اساس جوامع اولیه و موضوع آنها اشاره می‌شود:

ب - ۱ - ساده‌زیستی و جهیزه ساده:

۱- علی(ع) و ابن عباس: رسول خدا(ص) جهیزه فاطمه(س) را ، پارچه‌ای پرزدار، مشکی آب و بالشتی پوستین که پر شده از لیف إِذْخِر(کاه مگه یا گورگیاه که گیاهی خوشبوست) و تختی از لیف خرما قرار داد(ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۲، ص ۷۳، نسائی،(۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۱۴۴، ج ۶، ص ۱۳۵ با اندکی تفاوت در لفظ).

۲- از ابن عباس، عایشه و أم سلمه: پیامبر خدا(ص) ما را امر فرمود تا فاطمه(س) را برای رفتن به خانه علی(ع) آماده کنیم. پس به سمت خانه رفتیم و آن را با خاکی نرم پوشانیدیم و آبی گوارا فراهم ساختیم، بعد چوبی فراهم آوردیم و آن را در کنار اتاق برای نگهداری لباس و آویزان کردن مشک بر آن جای دادیم و هیچ عروسی‌ای بهتر از عروسی فاطمه(س) ندیدیم(ابن ماجه،(بی‌تا)، ج ۱، ص ۶۱۶، نسائی،(۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۱۴۴ با اندکی تفاوت در الفاظ).

ب- ۲- مرآوده و صمیمت با مردم

از عبدالله بن عمر: ما با رسول خدا(ص) می‌رفتیم که زنی را دید که گمان کردیم که او را نمی‌شناسد، پس وقتی در مسیر قرار گرفتیم توقف کرد تا این که آن زن به ایشان رسید. او فاطمه(س) دختر رسول خدا(ص) بود. پیامبر خدا(ص) به ایشان فرمود: چه چیز باعث شده که از خانه‌ات خارج شوی؟ فاطمه(س) فرمود: نزد اهل این خانه رفتم و برای مرده آنها طلب رحمت کردم و به آنها تسلیت گفتم... (ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۱۱، ص ۱۳۷، نسائی،(۱۳۴۸)، ج ۴، ص ۲۷).

ب- ۳- زینت

از موسی الکاظم(ع) از پدرش(ص) و نیز از براء بن عازب: یک بار علی(ع) که از یمن بازگشته بود، فاطمه(س) را که به استقبالش آمده بود، می‌بیند که لباسی رنگین پوشیده و سرمه کشیده است. پس علی(ع) به سرعت نزد پیامبر(ص) رفت تا از پیامبر(ص) فتوی این کار را بپرسد. علی(ع) به پیامبر(ص): ای رسول خدا(ص)! حضرت فاطمه(س) لباسی رنگین پوشیده و سرمه کشیده است(به نقل براء: و خانه را عطرافشان کرده بود) و می‌گوید که پدرم مرا به این کار امر کرده است. پیامبر خدا(ص) فرمود: راست می‌گوید، راست می‌گوید، من او را به این کار امر کردم(نسائی،(۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۱۴۳، ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۲۲، ص ۳۲۷، ابی داود،(بی‌تا)، ج ۲، ص ۹۲ با تفاوتی اندکی در لفظ).

ج) فاطمه(س) زنی مبارز و حق طلب

در جریان غصب فدک و بخشی اموال ایشان که پیامبر(ص) در حیاتش به ایشان بخشیده بود، به بهانه واهی این که پیامبران از خود میراثی بر جای نمی‌گذارند، فاطمه(س) از دست از تلاش و مبارزه برای اخذ حق خود فرو نمی‌گذارد و با بیانات و اعمال خود به رسوا کردن غاصبان می‌پردازد.

از عایشه و نیز ابوهریره: فاطمه(س) ارث خود را از دارایی پدر، آنچه را که خداوند در مدینه بر او ارزانی داشت و فدک و خمس خیبر، از ابوبکر طلب کرد. ابوبکر گفت: رسول خدا(ص) فرمود: «آنچه بر جای می‌گذاریم صدقه است و اهل بیت محمد(ص) از این مال می‌خورند» و من به خدا قسم! هیچ تغییری در حال صدقه‌ای که در زمان پیامبر(ص) بود، ایجاد نمی‌کنم و آن گونه عمل می‌کنم که رسول خدا(ص) عمل می‌کرد. پس ابوبکر چیزی از حق فاطمه(س) را به پرداخت نکرد، پس فاطمه(س) از ابوبکر آزرده شد و از او دوری کرد تا زنده بود با او حرف نزد و هنگامی که پس از شش ماه از وفات پیامبر(ص)، وفات کرد، علی(ع) او را دفن کرد و به ابوبکر خبر نداد(ابی داود،(بی‌تا)، ج ۳،

ص ۱۰۳، نسائی، (۱۳۴۸)، ج ۷، ص ۱۳۲، ابن حنبل (۱۴۲۰)، ج ۱، ص ۲۲۲، بخاری، (۱۴۲۲)، ج ۱۰، ص ۲۹۸، مسلم، (بی تا)، ج ۵، ص ۱۵۵، ابن حنبل (۱۴۲۰)، ج ۱، ص ۱۸۸، ترمذی، (بی تا)، ج ۴، ص ۱۵۷ با اندکی تفاوت در لفظ).

د) فاطمه (س)، دوست، یاور و پرستار رسول خدا (ص)

حضرت فاطمه (س) تنها دختر رسول خدا (ص) نبود، بلکه یاور، همدرد، همدم، پرستار و دوست پدر خود نیز بود؛ گویی در وجود این بانوی بزرگوار خداوند همه چیز را به حد کمال رسانده است. ایشان زمانی گوی سبقت را از مردان دلیر می‌ربود و در صحنه حاضر و یار و یاور پدر می‌شد و زمانی دیگر پرستاری مهربان و دلسوزی و دوستی همدم و همدرد بود. به احادیثی که بر این معنا دلالت دارد، ذیلاً اشاره می‌شود:

د - ۱ - از أم هانی: أم هانی در سال فتح مکه به حضور رسول خدا (ص) می‌رود و پیامبر خدا (ص) برای غسل برمی‌خیزد و فاطمه (س) او را با جامه‌اش (ص) مستور می‌دارد و پس از غسل، پیامبر (ص) جامه‌اش را می‌گیرد و پوشیده و نماز بجای می‌آورد (ابن ماجه، (بی تا)، ج ۱، ص ۱۵۸، مسلم، (بی تا)، ج ۱، ص ۱۸۲).

د - ۲ - از عبدالله: پیامبر خدا (ص) در حال سجده بود و مردمی از مشرکان قریش آنجا بودند که عقبه ابن ابی معیط، جفت یک شتر قربانی را آورد و آن را بر پشت پیامبر خدا (ص) افکند. اما پیامبر خدا (ص) سر از سجده برداشت تا این که فاطمه (س) آمده و جفت را پشت پدر برداشت و بر کسی که آن کار را انجام داده بود، نفرین کرد و سپس پیامبر (ص) و گروهی دیگر از مشرکین را نفرین کرد که در نتیجه آن، آنها در جنگ بدر کشته شدند (بخاری، (۱۴۲۲)، ج ۸، ص ۲۲۸، مسلم، (بی تا)، ج ۵، ص ۱۸۰، نسائی، (۱۳۴۸)، ج ۱، ص ۱۳۰).

د - ۳ - از ابی حازم از پدرش: سهل بن سعد از جراحت پیامبر خدا (ص) در روز احد سوال کرد، گفت: صورت رسول خدا (ص) مجروح شد و دندانهای پیشین ایشان شکست و حلقه کلاه خود در سرشان فرو رفت. در این حال فاطمه (س) خون چهره پیامبر خدا (ص) می‌شستند و علی بن ابی طالب (ع) با سپر آب بر آن می‌ریخت. وقتی فاطمه (س) دید که آب بر خونریزی بیشتر می‌افزاید، قطعه‌ای حصیر را گرفت و آتش زد تا خاکستر شد، آنگاه آن را بر روی زخم انداخت و خون بند آمد (مسلم، (بی تا)، ج ۵، ص ۱۷۸، ابن ماجه، (بی تا)، ج ۲، ص ۱۱۴۷، بخاری، (۱۴۲۲)، ج ۱، ص ۳۳۵، ابن حنبل (۱۴۲۰)، ج ۱، ص ۳۳۵، نسائی، (۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۳۹۱ با اندک تفاوتی در لفظ).

ه) عصمت فاطمه (س)

عصمت فاطمه (س) را خداوند سبحان در کتاب آسمانی اش در آیه تطهیر بیان داشته است و از پیامبر (ص) به مناسبت‌های مختلفی اقوالی دال بر این امر نقل شده است. ذیلاً به روایاتی اشاره می‌شود که در این باب وارد شده است:

ه - ۱ - روایت‌های مربوط به آیه تطهیر:

۱- از انس ابن مالک: مدت شش ماه وقتی رسول خدا(ص) برای نماز صبح خارج می‌شد، بر خانه فاطمه(س) می‌گذشت و می‌گفت: نماز! ای اهل بیت! «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (همانا خداوند می‌خواهد که شما اهل بیت را از آلودگی پاک و منزّه گرداند)(ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۲۱، ص ۲۷۳، ترمذی، (بی‌تا)، ج ۵، ص ۳۵۲).

۲- از وائله بن أسقع: نزد فاطمه(س) رفتم تا از علی(ع) بپرسم، فرمود: نزد پیامبر(ص) رفته است. پس نشستم و منتظر او شدم. تا این که رسول خدا(ص) همراه علی(ع) و حسن(ع) و حسین(ع) که آن دو را به دستانش گرفته بود، آمد. پس علی(ع) و فاطمه(س) را نزدیک خود کرد و هر کدام از حسنین(ع) را بر پای خود نشاند و بعد جامه‌اش یا کساء را بر آنها کشید و این آیه را: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» تلاوت کرد و فرمود: خدایا اینان اهل بیت من می‌باشند و اهل بیتم احق هستند(ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۲۸، ص ۱۹۵).

۳- از أم سلمه: پیامبر خدا(ص) در خانه من(أم سلمه) بود که فاطمه(س) با ظرف غذایی وارد شد، پیامبر(ص) فرمود: همسرت و دو فرزندت را بگو بیایند. در این لحظه، علی(ع) و حسن(ع) و حسین(ع) وارد شدند و شروع به خوردن غذا کردند و من نماز می‌خواندم ... که آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» نازل می‌شود، پس پیامبر خدا(ص) کسائی زیر خود داشت را بر علی(ع) و فاطمه(س) و حسنین(ع) می‌گیرد و دست خود را از کساء به سمت آسمان بلند می‌کند و می‌فرماید: خدایا اینان اهل بیت من و خواص من می‌باشند، پس آلودگی‌ها را از آنها دور کن و آنان را پاک و منزّه گردان(دوبار). أم سلمه می‌گوید: سرم را به داخل کساء بردم و گفتم: و من نیز با شما هستم ای رسول خدا(ص)! پیامبر(ص) فرمود: تو عاقبت به خیر خواهی شد(دو بار)(ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۴۴، ص ۱۱۸).

۴- از عایشه: بامداد یکی از روزها، رسول خدا(ص) بالاپوش خود را که از پشم سیاه بافته شده بود، بر دوش گذاشت و عازم بیرون از منزل بود. در این موقع، حسن(ع)، سپس حسین(ع)، سپس فاطمه(س) و بالاخره علی(ع) وارد شدند. هر کدام که وارد می‌شدند، پیامبر خدا(ص) عبای خود را بالای سر او قرار می‌داد و آنگاه که همه جمع شدند، فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (مسلم، (بی‌تا)، ج ۷، ص ۱۳۰).

۵- از عمر بن أبی سلمه فرزند خوانده پیامبر(ص): هنگامی که آیه «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» در خانه أم سلمه نازل شد، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین را خواند و آنها را به زیر کسائی بود و فرمود: «اللَّهُمَّ هَوِّءْ أَهْلَ بَيْتِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً»، پس أم سلمه گفت: آیا من با آنها هستم؟ حضرت فرمود: تو بر جای خودت هستی و تو بر خیر هستی(ترمذی، (بی‌تا)، ج ۵، ص ۳۵۱).

ه - ۲ - روایت مربوط به آیه مباحله که دلالت می‌کند فاطمه(س) از اهل بیت و بنابر آیه تطهیر، معصوم می‌باشند: از عامر بن سعید بن ابی وقاص از پدرش و نیز از عمر بن أبی سلمه: چون آیه «ندع

أبناءنا وأبناءكم...» نازل شد، پیامبر خدا(ص) علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) را طلبید و فرمود: خدایا اینان اهل و خانواده‌ام می‌باشند(ترمذی،(بی‌تا)، ج ۵، ص ۲۲۵، ۳۵۱، مسلم،(بی‌تا)، ج ۷، ص ۱۲۰، ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۳، ص ۱۶۰).

د) فاطمه(س) سرور بانوان بهشت و امت اسلام یا جهان سرور زنان بهشت، از جمله مقام و منزلتی که خداوند به فاطمه(س) ارزانی داشته است. احادیث ذیل از زبان رسول خدا(ص) بر این حقیقت دلالت دارند:

د - ۱- از ابی سعید از رسول خدا(ص): «فاطمه سیده نساء أهل الجنة الا ما كان من مريم بنت عمران»(فاطمه(س) سرور زنان اهل بهشت است جز مقامی که برای مريم بنت عمران وجود دارد)(ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۱۸، ص ۲۷۹، نسائی،(۱۳۴۸)، ج ۱۸، ص ۲۷۹).

د - ۲- حذیفه از رسول خدا(ص): ... فرشته‌ای از فرشتگان که تاکنون به زمین نیامده است، از خداوند اجازه خواست تا بر من سلام کند و مرا بشارت دهد که «أنّ الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة و أنّ فاطمة سيدة نساء أهل الجنة»(حسن(ع) و حسین(ع) سروران جوانان اهل بهشت و فاطمه(س) سرور زنان اهل بهشت است)(ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۳۸، ص ۳۵۳، نسائی،(۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۸۰، ترمذی،(بی‌تا)، ج ۵، ص ۶۶۰).

د - ۳- از انس از رسول خدا(ص): «حسبك من نساء العالمين مريم ابنة عمران و خديجة بنت خويلد و فاطمة بنت محمد و آسية امرأة فرعون»(از زنان جهان مريم دختر عمران، خديجه دختر خويلد، و فاطمه(س) دختر محمد(ص) و آسية زن فرعون تو را بس است)(ترمذی،(بی‌تا)، ج ۵، ص ۷۰۳، ابن حنبل(۱۴۲۰)، ج ۱۹، ص ۳۸۳).

د - ۳- از عائشه از فاطمه از پیامبر(ص): «يا فاطمة أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ»(یا به قولی: سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ)(بخاری،(۱۴۲۲)، ج ۱۶، ص ۷، مسلم،(بی‌تا)، ج ۷، ص ۱۴۲، نسائی،(۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۱۴۶).

ه) راز دار رسول خدا(ص) بودن

در حالی که صحابه فراوان گرداگرد پیامبر(ص) را گرفته بودند و همسران آن حضرت(ص) نیز وجود داشتند و هرکدام منتظر اشاره‌ای از پیامبر(ص) بودند تا به اندازه توان خویش علاقه و وفاداری خود را به پیامبر(ص) بیان کند، باز این تنها فاطمه(س) بود که محرم اسرار پدر بزرگوارشان(ص) بود و فقط او(س) دارای چنین مقام و منزلتی بود که می‌توانست مورد نجوای پیامبر(ص) قرار گیرد. حدیث ذیل به این مقام والای زهرا(ع) اشاره دارد:

ه - ۱- از عایشه: رسول خدا(ص) دخترشان فاطمه(س) را پیش خود خواند، پس مطلبی را با او نجوا کرد و فاطمه(س) گریست. پس از اندکی دوباره مطلبی را با او نجوا کرد و فاطمه(س) خندید. عایشه از علت این کار پرسید و فاطمه(س) در جواب فرمود: پیامبر(ص) نخست مرا به زمان مرگش

آگاه کرد، پس گریستم. بعد از آن خبر داد که من نخستین کس از خاندان او هستم که به او خواهم پیوست، پس شادمان شدم (ابن حنبل (۱۴۲۰)، ج ۴۱، ص ۳۱، مسلم، (بی تا)، ج ۷، ص ۱۴۱، نسائی، (۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۹۵، ابن ماجه، (بی تا)، ج ۱، ص ۵۱۸، مسلم، (بی تا)، ج ۷، ص ۱۴۳ با تفاوتی در لفظ).

ه - ۲ - از عائشه: همه زنان پیامبر (ص) جمع بودند که فاطمه وارد شد... پس پیامبر (ص) چیزی با او نجوا کرد که گریست و بار دیگری چیزی نجوا کرد که خندید. من پس رحلت پیامبر (ص) عائشه از فاطمه (س) علت این امر را می پرسد و ایشان جواب می دهند که بار نخست پیامبر (ص) از مرگش قریب قوعش خبر داد و من گریستم و بار دیگر به من گفت: «يَا فَاطِمَةُ أَلَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ (به قولی: سَيِّدَةَ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ)» (بخاری، (۱۴۲۲)، ج ۱۶، ص ۷، مسلم، (بی تا)، ج ۷، ص ۱۴۲، نسائی، (۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۱۴۶).

(و) یاری رسان فاطمه (س)، انسان نیست

در آن زمان که همه غلام و کنیز به یاری می گرفتند، خداوند یاری رسان فاطمه (س) را نه غلام و کنیزی و از جنس بشر، بلکه تسبیح، تکبیر و تحمیدی و از جنس ملکوت قرار می دهد، چرا که فاطمه (س)، روح و روانی از ملکوت دارد. ذیلاً به روایت وارده در این باب اشاره می شود:

از علی (ع) و نیز ابوهیرره: فاطمه (س) به حضور پیامبر خدا (ص) می رود و از او طلب خدمتکار می کند، پیامبر خدا (ص) می فرماید: آیا تو را به آنچه از خدمتکار بهتر است، هدایت کنم؟ سی و سه بار تسبیح خداوند، سی و سه بار تکبیر خداوند و سی و سه بار حمد خداوند را بجا می آوری که یکی از آنها سی و چهار مرتبه است (ابن حنبل (۱۴۲۰)، ج ۲، ص ۴۱، نسائی، (۱۳۴۸)، ج ۶، ص ۲۰۳، مسلم، (بی تا)، ج ۸، ص ۸۴ با اندک تفاوتی در لفظ).

(ز) شبه ترین مردم به رسول خدا (ص)

در میان روایات وارده در خصوص شخصت والای حضرت فاطمه (س) به روایاتی می پردازیم که ایشان را شبه ترین افراد به رسول خدا (ص) معرفی می کنند:

ز - ۱ - از عائشه: همه زنان پیامبر (ص) نزد ایشان حاضر بودند که فاطمه آمد و بخدا هیچ احدی به مانند او همچون پیامبر (ص) راه نمی رفت (بخاری، (۱۴۲۲)، ج ۱۶، ص ۷، مسلم، (بی تا)، ج ۷، ص ۱۴۲، نسائی، (۱۳۴۸)، ج ۵، ص ۱۴۶).

ز - ۲ - از عائشه: کسی را در گفتار و رفتار و شمایل به مانند حضرت فاطمه (س) شبیه به رسول خدا (ص) ندیدم (ابی داود، (بی تا)، ج ۴، ص ۵۲۳).

(ح) احترام فائق الوصف متقابل پیامبر (ص) و فاطمه (س)

عظمت شأن و مقام پیامبر(ص) و فاطمه(س) به گونه‌ای که فقط این دو توان درک آن را نزد فرد مقابل خود دارند و به جهت این درک از عظمت یکدیگر است که نقل شده که این دو بزرگوار به سختی به یکدیگر احترام می‌گذاشتند:

از عایشه: هنگامی که فاطمه(س) بر پیامبر(ص) وارد می‌شد، پیامبر(ص) به سوی او برخاسته و دستش را گرفته و می‌بوسید، سپس او را جای خود می‌نشاند و هر گاه پیامبر(ص) بر فاطمه(س) وارد می‌شد، فاطمه(س) به سوی او برخاسته و دستش را گرفته و می‌بوسید، سپس او را جای خود می‌نشاند(ابی داود، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۲۳).

نتیجه گیری:

مقام و منزلت حضرت فاطمه(س) آنچنان روشن و آشکار است که علاوه بر تلاش و توسل منکران ایشان به انواع حربه‌ها در طول تاریخ نتوانستند اندکی از فضائل و منزلت ایشان را در پرده ابهام قرار دهند. مقام و منزلت حضرت فاطمه(س) با گذشت زمان روز به روز نزد ملحدان و منکرانش بیشتر می‌شود و چه شاهدهی روشن‌تر از این که بر فضل و منزلتش را مخالفین ایشان گواه باشند که روایات وارده در این باب به وضوح گویای مطلب است.

منابع:

- ابن أنس، مالک، الموطأ، تحقیق محمد مصطفی الأعظمی، چاپ اول، بی‌جا، مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان، ۱۴۲۵هـ
- ابن حنبل، احمد، المسند، تحقیق شعيب الأرناؤوط و دیگران، چاپ دوم، بی‌جا، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰هـ
- ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت، دار الفکر، بی‌تا.
- أبوداود، سلیمان بن أشعث سجستانی، السنن، بیروت، دار الكتاب العربی، بی‌تا.
- بخاری، محمد بن إسماعیل، الصحيح، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، بی‌جا، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲هـ
- ترمذی، محمد بن عیسی، السنن، تحقیق محمدشاکر و دیگران، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
- مسلم، مسلم بن حجاج، الصحيح، بیروت، دار الجيل + دار الأفاق الجديدة، بی‌تا.
- نسائی، احمد بن شعيب، السنن، چاپ اول، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۳۴۸ هـ